

The Relationship Between the five-factor Personality Traits and the Emotional Intelligence of Male and Female Miane Islamic Azad University Students

Mohammad Saeed Ahmadi. Ph.D.
Islamic Azad University, Miane Branch

Abstract

The purpose of this study was to investigate the relationship between personality traits and emotional intelligence of university students. Research method was correlation, and statistical population included Miane university students in the school year 2011-12, among them 380 persons from different majors (226 female students and 154 male students) were selected by cluster random sampling method. The assessment tools included the 60-short form question of personality traits of NEO (NEO PI-R, 1992) Questionnaire and Bar-on EQ test (1997) which consisted of 90 items. Data were analyzed using Pearson's correlation coefficient, stepwise regression analysis. Results showed significant positive relationship between extraversion, openness to experience, agreeableness and conscientiousness with emotional intelligence ($P < 0.01$). There was a significant negative relationship between neuroticism and emotional intelligence ($P < 0.01$). Also there was not a significant difference between males and females EQ ($P > 0.05$). Stepwise regression analysis showed that there were personality traits that can significantly predict the emotional intelligence ($P < 0.01$).

Keywords: emotional intelligence, personality traits, neuroticism, extraversion, openness to experience, agreeableness, conscientiousness, university students .

رابطه بین ویژگی‌های پنج عاملی شخصیتی و هوش هیجانی در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد اسلامی میانه

محمدسعید احمدی*
دانشگاه آزاد اسلامی واحد میانه

چکیده

این پژوهش با هدف تعیین رابطه ویژگی‌های شخصیتی و هوش هیجانی در دانشجویان اجرا شد. روش پژوهش همبستگی و جامعه آماری شامل دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد میانه در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ بودند که از میان آنها ۳۸۰ نفر از رشته‌های مختلف (۲۲۶ دختر و ۱۵۴ پسر) به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزارهای سنجش شامل فرم کوتاه ۶۰ سؤالی مقیاس ویژگی‌های شخصیتی نئو (NEO PI-R, 1992) و آزمون ۹۰ سؤالی هوش هیجانی بار-آن (۱۹۹۷) بود. داده‌ها از طریق ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه (شیوه گام به گام) تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد بین برونگرایی، تجربه‌پذیری، توافق‌پذیری و با وجدان بودن با هوش هیجانی رابطه مثبت معنادار ($P < 0.01$) و بین هوش هیجانی و روان‌رنجوری رابطه منفی معناداری وجود دارد ($P < 0.01$). همچنین بین هوش هیجانی دانشجویان دختر و پسر تفاوت معناداری وجود ندارد ($P > 0.05$). تحلیل رگرسیون نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی به‌طور معناداری می‌توانند هوش هیجانی را پیش‌بینی کنند ($P < 0.01$).
واژه‌های کلیدی: هوش هیجانی، ویژگی‌های شخصیتی، روان‌رنجوری، برونگرایی، تجربه‌پذیری، توافق‌پذیری، با وجدان بودن، دانشجویان

* نویسنده مسئول: میانه جاده ترانزیت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میانه، گروه آموزش معلمان.

پست الکترونیک (رایانامه): ghavaghy57@gmail.com

وصول ۹۰/۱۲/۱۴ پذیرش ۹۱/۴/۲۷

مقدمه

برای مطالعه هوش هیجانی به ما امکان می‌دهد تا توضیح بهتری درباره محتوای ارتباط آن با متغیرهای زیست‌شناختی، روان‌شناختی و جمعیت‌شناختی به دست آوریم (کوپر، ۲۰۰۵). البته تفاوت‌هایی در این نظریه‌ها وجود دارد که شاید در نتیجه تفاوت در حوزه تعریف باشد (مایر، سالوی و کاروسو^{۱۵}، ۲۰۰۲). گوناگونی افراد علاقه‌مند به این مفهوم، موجب ارائه تعاریف مختلف برای هوش هیجانی، ابزار اندازه‌گیری آن و نیز ادعاهای مربوط به اهمیت آن شده است. با این همه پژوهشگران تلاش کرده‌اند، تعاریف و مفهوم‌سازی‌های این سازه را براساس دو الگو تبیین کنند (پتریدز و فورنهام^{۱۶}، ۲۰۰۳ و ۲۰۰۱؛ مایر، سالوی و کاروسو، ۲۰۰۰). در الگوی اول که الگوی توانایی^{۱۷} نام دارد و سالوی و مایر (۱۹۹۰ و ۱۹۹۷) آن را پیشنهاد کرده‌اند، هوش هیجانی از توانایی‌های ذهنی عمده در قلمرو ادراک حسی، عواطف، تسهیل عاطفی، تفکر، درک عواطف و مدیریت عواطف خود و دیگران تشکیل شده است. براساس این نظریه شناخت و عواطف در تعامل با یکدیگرند و هوش هیجانی به منزله استدلال انتزاعی درباره عواطف و احساس‌ها می‌باشد. در الگوی دوم که به الگوی ترکیبی^{۱۸} شهرت یافته است، هوش هیجانی به صورت ترکیبی از توانایی‌های ذهنی و ویژگی‌های شخصیتی نظیر خوش‌بینی^{۱۹}، خودآگاهی^{۲۰}، مهار احساس‌ها و برانگیختگی‌ها^{۲۱}، مقاومت، اشتیاق و خودانگیزی^{۲۲} تعریف می‌شود که با تعاریف موجود از انگیزش و شخصیت همپوشی دارد (گلمن، ۱۹۹۵ و ۱۹۹۸؛ بار-آن، ۱۹۹۷ و ۲۰۰۰؛ براودریچ^{۲۳}، ۲۰۰۶).

بشارت (۱۳۸۶) در مقایسه این دو الگو می‌نویسد: الگوهایی که متشکل از جنبه‌هایی از ویژگی‌های اصلی هوش هیجانی و شخصیت هستند، به عنوان الگوی ترکیبی و الگوهایی که به توانایی هوشی تأکید می‌کنند، به عنوان الگوی توانایی مدنظر قرار می‌گیرند. پتریدز و فورنهام (۲۰۰۳) طبقه‌بندی دیگری از الگوهای هوش هیجانی ارائه می‌کنند: الگوهای اثر یا رگه‌ای^{۲۴} و الگوی

هوش هیجانی^۱ ظرفیت درک و مهار هیجان‌ها خود و دیگران است (کوپر^۲، ۲۰۰۵). سالوی و مایر^۳ (۱۹۹۰) مفهوم جدید هوش هیجانی را اعتباریابی کردند که در طبقه‌ای از هوش اجتماعی^۴ و هوش‌های درون‌فردی^۵ و بین‌فردی^۶ قرار می‌گیرد (وان روی، آلونسو و ویزوسوارم^۷، ۲۰۰۵). در طول دهه گذشته هوش هیجانی از نظر تعریف مفهومی، ارتباط تجربی آن با شخصیت و سایر توانایی‌های شناختی و چگونگی اندازه‌گیری بهتر ساختار آن موضوعی بسیار بحث‌انگیز بوده است. سالوی و مایر نخستین بار در سال ۱۹۹۰ اصطلاح هوش هیجانی را به عنوان توانایی فرد در بازنگری احساسات و هیجان‌های خود و دیگران، تمیز قابل شدن میان هیجان‌ها و استفاده از اطلاعات هیجانی در حل مسأله و نظم‌بخشی رفتار تعریف کردند (سالوی و مایر، ۱۹۹۰). از نظر گلمن^۸ (۱۹۹۵) هوش هیجانی توانایی شناسایی احساسات و عواطف خود و دیگران است تا بتوانیم با به‌کارگیری آنها در محیط کار ارتباط مؤثری با دیگران داشته باشیم. بار-آن^۹ (۲۰۰۵) هوش هیجانی را به عنوان مجموعه‌ای از ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و مهارت‌های غیرشناختی می‌داند که توانایی‌های فرد را در برخورد موفقیت‌آمیز با مقتضیات و فشارهای محیطی افزایش می‌دهد. وی هوش هیجانی را در ۵ مقوله کلی تعریف می‌کند:

۱. بهره هیجانی درون‌فردی^۱: شامل قاطعیت، استقلال، خودآگاهی و خودشکوفایی.
 ۲. بهره هیجانی بین‌فردی^{۱۱}: شامل همدلی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی.
 ۳. بهره هیجانی قابلیت‌سازش‌یافتگی^{۱۲}: شامل انعطاف‌پذیری، آزمون واقعیت و توانایی حل مسأله.
 ۴. بهره هیجانی مدیریت‌تندگی^{۱۳}: شامل مهار تکانه و تحمل‌تندگی.
 ۵. بهره هیجانی خلق عمومی^{۱۴}: شامل امیدواری و شادمانی.
- هر چند هنوز هم به‌طور دقیق ماهیت و ساخت هوش هیجانی روشن نیست، اما در عمل پذیرش یک دیدگاه منسجم‌تر

1. emotional intelligence
3. Salovey & Mayer
5. inter personal intelligence
7. Van Rooy, Alonso & Viswesvaran
9. Bar-on
11. intrapersonal
13. stress management
15. Caruso
17. ability model
19. optimism
21. impulses
23. Brotheridge

2. Cooper
4. social intelligence
6. intrapersonal
8. Goleman
10. inter personal
12. adaptation
14. general mood
16. Petrides & Furnham
18. mixed model
20. self-awareness
22. self-motivation
24. traits model

قوی با ویژگی‌های شخصیتی ندارند و با وجود همپوشی، موضوعات کاملاً یکسانی نیستند (اسکات، ماولوف، هال، هاجرتی، کوپر و همکاران^{۱۱}، ۱۹۹۸؛ جویس و مردیت^{۱۲}، ۲۰۰۷). ساختار شخصیت براساس الگوهای مختلفی تبیین شده است. الگوی ۵ عاملی شخصیت با پشتوانه‌های نظری، تجربی و پژوهشی از معتبرترین و مشهورترین الگوهای شخصیت محسوب می‌شوند. این عوامل عبارت‌اند از:

۱- روان‌رنجوری^{۱۳}: تمایل عمومی به تجربه عواطف منفی مانند ترس، غم، دستپاچگی، عصبانیت، احساس گناه و نفرت که در مجموع حیطه N را تشکیل می‌دهند. ۲- برونگرایی^{۱۴}: رویکردی پرانرژی در جهان مادی و اجتماعی که ویژگی‌هایی چون مردم‌آمیزی، فعال بودن، قاطع بودن و جرأت‌ورزی را شامل می‌شود و در مجموع حیطه E را تشکیل می‌دهند. ۳- تجربه‌پذیری^{۱۵}: عناصر تصور فعال، احساس زیباپسندی، توجه به احساسات درونی، تنوع‌طلبی، کنجکاوی ذهنی و استقلال در قضاوت که در مجموع حیطه O را تشکیل می‌دهند. ۴- توافق‌پذیری^{۱۶}: نودوستی، همدردی با دیگران، مشتاق کمک و باور نسبت به کمک‌کننده بودن دیگران، انتقادپذیر بودن و حرکت به سوی مردم که در مجموع حیطه A را تشکیل می‌دهند. ۵- با وجدان بودن^{۱۷}: قدرت مهار تکانه‌ها به نحوی که جامعه آن را مطلوب می‌داند، تسهیل‌کننده رفتار تکلیف‌محور و هدف‌محور، تفکر قبل از عمل، به تأخیراندازی ارضای خواسته‌ها، رعایت قوانین و هنجارها و سازماندهی و اولویت‌بندی تکالیف که در مجموع حیطه C را تشکیل می‌دهند (باریک و هانت^{۱۸}، ۱۹۹۱ به نقل از حق‌شناس، ۱۳۸۵). در تعریف بار- آن (۱۹۹۷) از هوش هیجانی، هوش هیجانی با سازه‌هایی که قبلاً به‌عنوان جنبه‌هایی از شخصیت معرفی می‌شدند، رابطه دارد. بیشتر پژوهش‌های انجام شده نشان‌دهنده رابطه مثبت معنادار بین هوش هیجانی با برونگرایی، تجربه‌پذیری، توافق‌پذیری و با وجدان بودن و رابطه منفی معنادار با روان‌رنجوری است (پتریزد و فورنهام، ۲۰۰۳؛ وان‌درزی، تیجز و اسچاکل^{۱۹}، ۲۰۰۲؛ مک‌کری^{۲۰}، ۲۰۰۰؛ اسکات و

پردازش اطلاعات^۱. آنها اظهار می‌کنند که الگوی اثر، به ثبات رفتاری در طول موقعیت‌ها و سنجش رفتار نوعی به‌جای سنجش رفتار حداکثری تأکید می‌کند و شامل مفاهیمی از قبیل خوش‌بینی و تکانشگری هستند. در مقابل الگوهای پردازش اطلاعات در برقراری رابطه بین هوش هیجانی و توانایی‌های شناختی بسیار صریح هستند.

هر کدام از این طبقه‌بندی‌های هوش هیجانی، نوع خاصی از ابزار اندازه‌گیری را لازم دارد. مایر و همکاران^۲ (۲۰۰۰) اظهار می‌کنند در حالی که الگوهای ترکیبی شیوه‌های سنجش گزارش شخصی^۳ را مورد استفاده قرار می‌دهند، الگوهای توانایی‌نیازمند استفاده از روش‌های سنجش تکلیف‌محور^۴ هستند. آنها روش‌های گزارش شخصی سنجش هوش هیجانی را به آزمون‌های گزارش شخصی هوش کلی تشبیه کرده‌اند که از نظر دقت مورد بحث هستند. پتریزد و فورنهام (۲۰۰۳)، این بحث را با بیان این نکته که ابزارهای اندازه‌گیری الگوها را تعیین می‌کنند، یک گام به پیش بردند. اگرچه ابزارهای سنجش گزارش شخصی بهتر از ابزارهای سنجش تکلیف‌محور با توانایی‌های شناختی مانند حل مسأله، عملکرد تحصیلی، استدلال و... در ارتباط است و آنها را بهتر پیش‌بینی می‌کند (اسکات، ری و کارتا^۵، ۲۰۰۴؛ جاسنا، نزویک و کاردیوم^۶، ۲۰۰۹).

مایر و همکاران (۲۰۰۰) استدلال می‌کنند که بیشتر این ارتباطات قوی نتیجه ارتباط قوی بین اندازه‌های گزارش شخصی با متغیرهای شخصیتی است. پژوهشگرانی که از روش گزارش شخصی استفاده کرده‌اند، این ارتباط را گزارش کرده‌اند. بنابراین بسیاری از پژوهشگران روابط پیش‌بینی اساسی بین اندازه‌های گزارش شخصی هوش هیجانی و چندین متغیر شخصیتی از قبیل روان‌رنجوری، برونگرایی، توافق‌پذیری و... یافته‌اند (بار- آن، ۱۹۹۷؛ سیاروچی، فورگاس^۷ و مایر، ۲۰۰۱؛ داودا و هارت^۸، ۲۰۰۰؛ نیوزوم، دی و کاتانو^۹، ۲۰۰۲؛ باگبی، تایلر و پارکر^{۱۰}، ۱۹۹۴). لازم به ذکر است که اندازه‌های گزارش شخصی هوش هیجانی در این مطالعات روابط بسیار

1. information processing model
3. self- report assessment
5. Schulte, Ree & Carretta
7. Ciarrochi & Forgas
9. Newsome, Day & Catano
11. Schutte, Malouff, Hall, Haggerty, Cooper & et.al
13. neuroticism
15. openness to experience
17. conscientiousness
19. Van derzee, Thijs & Schakel

2. Mayer, Salovey & Caruso
4. task-oriented assessment
6. Jasna, Knezevic & Kardum
8. Dawda & Hart
10. Bagby, Tayler & Parker
12. Joyce & Meredith
14. extraversion
16. agreeableness
18. Buric & Hunt
20. McCrae

پژوهشگران را نسبت به این مسأله حساس کند که چه بخش‌هایی از شخصیت هوش هیجانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و تأثیر آن را افزایش یا کاهش می‌دهد (مایر و همکاران، ۲۰۰۰).

این موضوع وقتی اهمیت پیدا می‌کند که بدانیم هوش شناختی یا عمومی در بهترین وضعیت فقط ۲۰ درصد از موفقیت‌ها را باعث می‌شود و ۸۰ درصد از موفقیت‌ها به عوامل دیگر وابسته است و سرنوشت افراد در بسیاری از موقعیت‌ها در گرو مهارت‌هایی است که هوش هیجانی را تشکیل می‌دهند (گلمن، ۱۹۹۸ و ۱۹۹۵). هوش هیجانی با شناخت فرد از خود و دیگران، ارتباط با دیگران، سازگاری و انطباق با محیط پیرامون که برای موفق شدن در برآوردن خواست‌های اجتماعی لازم است، ارتباط دارد و یک توانمندی مقطعی در عملکرد فردی محسوب می‌شود؛ در حالی که هوش شناختی، قابلیت راهبردی و درازمدت دارد. هوش هیجانی پیش‌بینی موفقیت را ممکن می‌سازد، زیرا نشان می‌دهد که چگونه فرد بلافاصله دانش خود را در موقعیت‌های مختلف به کار می‌گیرد (مویرا و الیور^{۱۳}، ۲۰۰۸، به نقل زرار، نریمانی، برهمند و صبحی قراملکی، ۱۳۸۷).

به علاوه بحث تفاوت‌های جنسیتی در هوش هیجانی، توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب کرده است. یافته‌ها نشان‌دهنده بالاتر بودن سطح هوش هیجانی در دختران نسبت به پسران است (سیاروچی، چان و کاپوتی^{۱۴}، ۲۰۰۰؛ الیزابت، اوستین، تیموتی، کاترین و دانوان^{۱۵}، ۲۰۰۸؛ اسکات و همکاران^{۱۶}، ۲۰۰۴؛ وارویچ و نتل بک^{۱۷}، ۲۰۰۴؛ مایر، سالووی و کاروسو، ۱۹۹۹؛ پتریدز و فورنهام، ۲۰۰۳؛ وان روی و همکاران، ۲۰۰۵؛ آقاییوسفی، ۱۳۸۷).

بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین هوش هیجانی و عوامل پنجگانه شخصیت انجام شده و درصد مقایسه هوش هیجانی در دو جنس است.

روش

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه؛ روش این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل همه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد میانه

همکاران، ۱۹۹۸؛ اوستین، سالکوفسکی و ایگان^۱، ۲۰۰۷؛ سالکوفسکی، اوستین و مینسکی^۲، ۲۰۰۳؛ اسکات و همکاران، ۲۰۰۴؛ داودا و هارت، ۲۰۰۰؛ دیویس، استانکوف و رابرت^۳، ۲۰۰۲؛ نیوزوم و همکاران، ۲۰۰۲؛ پالمر، دونالدسون و استاگ^۴، ۲۰۰۲؛ الکساندر^۵، ۲۰۰۴؛ اوستین، سالکوفسکی، روهر و اندروز^۶، ۲۰۰۷، آناماریا و لتیزیا^۷، ۲۰۰۹).

واندر لیندن، تیژوسیز و پتریدز^۸ (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان همپوشی ۵ عامل کلی شخصیت و هوش هیجانی به این نتیجه رسیدند که همپوشی قابل توجهی بین هوش هیجانی و ویژگی‌های شخصیتی وجود دارد و میانگین ضریب همبستگی بین این دو متغیر ۰/۶ است. ورتمن و وود^۹ (۲۰۱۱) در پژوهشی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی گزارش شخصی را با محبوبیت نوجوانان آزمون کردند و به این نتیجه رسیدند که رابطه بسیار باثباتی بین ویژگی‌های شخصیتی و رفتارهایی که به محبوبیت نوجوانان منجر می‌شود، وجود دارد. همایونی (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان رابطه ویژگی‌های شخصیتی و هوش هیجانی در یادگیری ریاضی و زبان انگلیسی دانشجویان به این نتیجه رسید که یادگیری ریاضی و انگلیسی رابطه منفی با روان‌رنجوری و رابطه مثبت با سایر ویژگی‌های شخصیتی دارد. همچنین رابطه مثبتی بین ویژگی‌های شخصیتی و هوش هیجانی وجود دارد.

با این حال در تعریف جدیدی که گلمن (۲۰۰۱) از هوش هیجانی ارائه داده، تفاوت ناچیزی بین هوش هیجانی و سازه‌های شخصیتی دیده می‌شود و در تعریفی که سالووی و مایر (۱۹۹۰) از هوش هیجانی ارائه داده‌اند، هیچ‌گونه ارتباطی بین هوش هیجانی و ویژگی‌های شخصیتی افراد دیده نمی‌شود (سیاروچی و همکاران، ۲۰۰۱). همچنین پژوهش‌های براکت، مایر و وارنر^{۱۰} (۲۰۰۴)؛ باستین، بورنز و نتل بک^{۱۱} (۲۰۰۵)؛ لوپز، سالووی و استراس^{۱۲} (۲۰۰۳) رابطه معناداری بین هوش هیجانی و ویژگی‌های شخصیتی گزارش نکرده‌اند.

برای شناخت بهتر سازه هوش هیجانی، مطالعه روابط آن با سازه‌های شناخته شده‌ای چون شخصیت بسیار مفید است و بینش ما را نسبت به آنها افزایش می‌دهد. فهم هوش هیجانی به‌عنوان بخشی از نظام گسترده‌تر شخصیت، ممکن است

1. Austin, Saklofske & Egan

3. Davies, Stankov & Roberts

5. Alexander

7. Annamaria & Letizia

9. Wortman & Wood

11. Bastian, Burns & Nettelbeck,

13. Moira & Olivier

15. Elizabeth, Austin, Timothy, Katharine & Donovan

17. Warwick & Nettelbeck

2. Saklofske, Austin & Minski

4. Palmer, Donaldson & Stough

6. Austin, Saklofske, Rohr & Andrews.

8. Vander Linden, Tsaousis & Petrides

10. Brackett, Mayer & Warner

12. Lopes, Salovey & Straus

14. Ciarrochi, Chan & Caputi,

16. Ree & Carretta

مؤلفه درون‌فردی شامل خرده‌مقیاس‌های؛ خودآگاهی، جرأت‌مندی، عزت‌نفس، خودشکوفایی و استقلال عمل است. مؤلفه سازگاری شامل خرده‌مقیاس‌های؛ آزمون واقعیت، انعطاف‌پذیری و حل مسأله است. مؤلفه میان‌فردی شامل خرده‌مقیاس‌های؛ همدلی، مسؤلیت‌پذیری و روابط بین‌فردی است. مؤلفه تکانش‌ها شامل خرده‌مقیاس‌های؛ تحمل فشارها و مهار تکانه‌ها است. مؤلفه خلق‌وخوی عمومی شامل خرده‌مقیاس‌های؛ خوش‌بینی و نشاط است.

پژوهشگر در پژوهش حاضر، اعتبار این آزمون را بار دیگر در جامعه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد میانه ارزیابی کرد و آلفای کرانباخ $0/90$ محاسبه گردید که حاکی از اعتبار بالایی آن است.

شیوه پاسخدهی به پرسش‌ها در طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای (کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم، کاملاً موافقم) است. به این صورت که آزمودنی ابتدا هر یک از گویه‌ها را می‌خواند و درجه تناسب آن را با ویژگی‌های خود در طیف پنج‌درجه‌ای مشخص می‌کند. دو نمونه از سوالات این پرسشنامه به شرح زیر است: «به نظر من برای غلبه بر مشکلات باید گام به گام پیش رفت»، «لذت بردن از زندگی برایم مشکل است».

پرسشنامه شخصیتی تجدیدنظر شده نئو^۱ (NEO (NEOPI-R: این پرسشنامه یکی از آزمون‌های شخصیتی است که براساس تحلیل عوامل ساخته شده و از جدیدترین ابزارها در زمینه شخصیت است که کاستا و مک‌کری^۳ در سال ۱۹۹۲ با عنوان پرسشنامه شخصیتی NEO معرفی کردند. فرم تجدیدنظر شده این پرسشنامه را همان مؤلفان با عنوان فرم تجدیدنظر شده پرسشنامه نئو ارائه داده‌اند. فرم بلند این پرسشنامه در ۲۴۰ عبارت به‌منظور اندازه‌گیری پنج ویژگی یا حیطه اصلی (روان‌رنجوری، برون‌گرایی، تجربه‌پذیری، توافق‌پذیری و باوجدان بودن) طراحی شده است. در الگوی کوتاه هر عامل با ۱۲ پرسش سنجیده می‌شود. نتایج مطالعات کاستا و مک‌کری (۱۹۹۲) نشان داد که همبستگی ۵ زیرمقیاس فرم کوتاه با فرم بلند از $0/77$ تا $0/92$ است، همچنین همسانی درونی زیرمقیاس‌های آن در دامنه $0/68$ تا $0/86$ برآورده شده است. فرم کوتاه پرسشنامه در کشورهای مختلف جهان از جمله در ایران اعتباریابی شده است. در ایران فرم بلند را گروسی فرشی (۱۳۸۰) اعتباریابی کرد و نتایج اعتباریابی شبیه نتایج به‌دست آمده در آزمون زبان اصلی بود. ضرایب آلفا برای ویژگی‌های

در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۹۰ بود که در حدود ۴۰۰۰ نفر بودند. نمونه آماری با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای شامل ۳۸۰ نفر (۲۲۴ دختر و ۱۵۶ پسر) انتخاب شد.

بدین ترتیب که ابتدا جامعه آماری براساس مقطع تحصیلی به سه خوشه کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد تقسیم شد. سپس هر مقطع به دو خوشه دختران و پسران تقسیم شد و به تناسب حجم هر خوشه به‌دست آمده، نمونه مورد نیاز به تصادف انتخاب گردید.

ابزار سنجش

آزمون هوش هیجانی بار-آن^۱

این آزمون، ۱۱۷ پرسش و ۱۵ مقیاس دارد که بار-آن بر روی ۳۸۳۱ نفر از ۵ کشور (آرژانتین، آلمان، هند، نیجریه و آفریقای جنوبی) که $48/8$ درصد آنان مرد و $51/2$ درصد آنان زن بودند، اجرا کرد و به‌طور نظام‌مند در آمریکای شمالی هنجاریابی شد. نتایج حاصل از هنجاریابی نشان داد که این آزمون از حد مناسبی از اعتبار و روایی برخوردار است. این پرسشنامه بر روی ۵۰۰ نفر از دانشجویان رشته‌های مختلف ۱۸ تا ۴۰ سال در دانشگاه‌های آزاد و دولتی تهران بر روی زنان و مردان به‌صورت انفرادی و حضوری اجرا شد و پس از انجام برخی تغییرات در متن اصلی پرسشنامه، حذف یا تغییرات بعضی از سؤالات و تنظیم مجدد پرسش‌های هر مقیاس، پرسشنامه از ۱۱۷ پرسش به ۹۰ پرسش تقلیل یافت. پایایی آزمون از طریق محاسبه آلفای کرانباخ برای دانشجویان پسر $0/84$ ، برای دانشجویان دختر $0/78$ و برای کل افراد $0/93$ محاسبه گردیده است (دهشیر، ۱۳۸۱). جدول ۱ شاخص‌های اصلی آزمون هوش هیجانی بار-آن را ارائه می‌دهد.

جدول ۱- معرفی شاخص‌های هوش هیجانی

ردیف	نام شاخص	حداقل نمره	حداکثر نمره	میانگین
۱	درون‌فردی	۳۰	۱۵۰	۹۰
۲	سازگاری	۱۸	۹۰	۵۴
۳	میان فردی	۱۸	۹۰	۵۴
۴	مهار تنش‌ها	۱۲	۶۰	۳۶
۵	خلق و خوی عمومی	۱۲	۶۰	۳۶
	کل آزمون	۹۰	۴۵۰	۲۷۰

1. The Emotional Quotient Inventory
3. Costa & McCrae

2. The NEO Personality Inventory-Revised

طریق روش‌های آماری شامل آزمون ضریب همبستگی پیرسون^۲، رگرسیون^۳ (شیوه گام به گام) و t مستقل تحلیل شد.

جدول ۲- میانگین و انحراف معیار زیرمقیاس‌های فرم کوتاه پرسشنامه شخصیت

زیر مقیاس‌ها	انحراف معیار	میانگین
روان‌رنجوری	۹/۵۴	۲۲/۹۲
برونگرایی	۶/۱۵	۲۶/۸۹
تجربه‌پذیری	۴/۸۷	۲۷/۹۴
توافق‌پذیری	۷	۳۲/۹۰
باوجدان بودن	۵/۶۴	۳۱/۶۲

یافته‌ها: یافته‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه در جدول ۳ ارائه شده است:

جدول ۳- میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای مورد مطالعه

شاخص	متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
هوش هیجانی		۲۲۲/۶	۲۸/۹۹
روان‌رنجوری		۲۲/۱۳	۶/۶۷
برونگرایی		۲۸/۲۵	۴/۳۸
تجربه‌پذیری		۳۱	۵/۵۶
توافق‌پذیری		۲۷/۶۱	۵/۹۴
باوجدان بودن		۳۳/۶۸	۸/۸۱

جدول ۴- ضرایب همبستگی بین ویژگی‌های شخصیتی و هوش هیجانی

متغیرها	هوش هیجانی	روان‌رنجوری	برونگرایی	انعطاف‌پذیری	دلپذیر بودن	باوجدان بودن
هوش هیجانی	۱	۰/۵۹۷**	۰/۵۳۱**	۰/۴۷۲**	۰/۳۰۵**	۰/۴۶۱**
روان‌رنجوری		۱	۰/۴۲۵**	۰/۲۸۵**	۰/۱۲۸*	۰/۲۶۵**
برونگرایی			۱	۰/۳۴۹**	۰/۱۱۲*	۰/۴۴۳**
تجربه‌پذیری				۱	۰/۱۴۱**	۰/۶۱۵**
توافق‌پذیری					۱	۰/۰۷۵
باوجدان بودن						۱

** P<۰/۰۵

* P<۰/۰۵

اصلی N، E، O، A، C به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۷۳، ۰/۵۶، ۰/۶۸ و ۰/۸۷ است. در پژوهش شاهرادی، فاتحی‌زاده و احمدی (۱۳۹۰) ضرایب آلفا برای روان‌رنجوری ۰/۸۷، برونگرایی ۰/۷۶، تجربه‌پذیری ۰/۵۷، توافق‌پذیری ۰/۵۴ و باوجدان بودن ۰/۷۵ به دست آمد. این پرسشنامه پنج عامل اصلی شخصیت را اندازه‌گیری می‌کند (کاستا و مک کری، ۱۹۹۲). پنج عامل مورد اندازه‌گیری این پرسشنامه و ضرایب آلفای مربوط (گروسی فرشی، ۱۳۸۰) در جدول زیر ارائه شده است. پژوهشگر در پژوهش حاضر، اعتبار این آزمون را بار دیگر در جامعه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد میانه ارزیابی کرد و آلفای کرانباخ ۰/۸۷ محاسبه گردید که حاکی از اعتبار بالای آن است.

شیوه پاسخدهی به سؤالات در طیف لیکرت پنج گزینه‌ای (کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم، کاملاً موافقم) است. به این صورت که آزمودنی ابتدا هر یک از گویه‌ها را می‌خواند و درجه تناسب آن را با ویژگی‌های خود در طیف پنج درجه‌ای مشخص می‌کند. دو نمونه از سؤالات این پرسشنامه به شرح زیر است: «من اصولاً شخص نگرانی نیستم.» «دوست دارم همیشه افراد زیادی دور و برم باشند.»

روش اجرا و تحلیل

پس از جلب مشارکت و همکاری آزمودنی‌ها و تشریح اهداف پژوهش، فرم ۶۰ سؤالی پرسشنامه شخصیتی تجدیدنظر شده NEO موسوم به NEOPI-R (کاستا و مک کری ۱۹۹۲؛ به نقل گروسی فرشی؛ ۱۳۸۰) و آزمون ۹۰ سؤالی هوش هیجانی بار-آن (بار-آن ۱۹۹۷؛ به نقل نیکجو، ۱۳۸۷) اجرا شد و در نهایت داده‌ها با استفاده از بسته آماری برای علوم اجتماعی نسخه ۱۶، از

1. Statistical Package for Social Sciences-Version16 (SPSS16)

2. Pearson's correlation coefficient

3. regression analysis

جدول ۶- ضرایب استاندارد و غیراستاندارد رگرسیون ویژگی‌های شخصیتی بر هوش هیجانی

متغیرهای رگرسیون	ضرایب غیراستاندارد B	ضرایب استاندارد Beta	آماره t	معناداری
مقدار ثابت	۱۴۳/۲	-	۱۲/۵	۰/۰۰۰۱
روان‌رنجوری	-۱/۷	-۰/۴۰	-۱۰/۲	۰/۰۰۰۱
برونگرایی	۱/۴	۰/۲۲	۵/۱	۰/۰۰۰۱
انعطاف‌پذیری	۰/۸۴	۰/۱۶	۳/۶	۰/۰۰۰۱
دلپذیر بودن	۰/۹۰	۰/۱۹	۵/۳	۰/۰۰۰۱
باوجدان بودن	۰/۸	۰/۱۶	۳/۵	۰/۰۰۰۱

جدول ۷- معناداری تفاوت هوش هیجانی دختران و پسران

شاخص	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	آماره T	معناداری
پسران	۱۵۴	۲۲۱	۲۶/۹	۳۷۸	۱/۲	۰/۲۲
دختران	۲۲۶	۲۲۵	۳۰/۵			

بحث

یافته‌های این پژوهش در خصوص رابطه معنادار و مثبت بین هوش هیجانی با برونگرایی، باوجدان بودن، تجربه‌پذیری، توافق‌پذیری و از طرف دیگر رابطه منفی معنادار بین هوش هیجانی با روان‌رنجوری و یافته‌های مک‌کری (۲۰۰۰)، پتریدز و فورنهام (۲۰۰۱)، داودا و هارت (۲۰۰۰)، ون درزی و همکاران (۲۰۰۲)، پتریدز و فورنهام (۲۰۰۳)، باگی و همکاران (۱۹۹۴)، نیوزوم و همکاران (۲۰۰۲)، پالم و همکاران (۲۰۰۲)، دیویس و همکاران (۲۰۰۲)، سیاروچی و همکاران (۲۰۰۰)، جویس و مردیت (۲۰۰۷)، الیزابت و همکاران (۲۰۰۸)، آنا ماریا و همکاران (۲۰۰۹)، براکت و همکاران (۲۰۰۴)، مایر و همکاران (۲۰۰۰)، اوستین و همکاران (۲۰۰۷)، سالوفسکی و همکاران (۲۰۰۳)، جاسنا و همکاران (۲۰۰۹)، همایونی (۲۰۱۱)، واندر لیندن و همکاران (۲۰۱۲) و رتمن و وود (۲۰۱۱) بشارت (۱۳۸۶)، نیکجو (۱۳۸۷) همسو است. روان‌رنجوری یا بی‌ثباتی هیجانی در افرادی بیشتر است که مضطرب، نگران، عصبی و پرتنش هستند و مستعد احساس گناه، غم و ناامیدی باشند. این افراد به راحتی سرخورده می‌شوند و مستعد احساس گناه و احساس حقارت هستند و در یک جمع بزرگ دچار اضطراب اجتماعی می‌شوند. تکانش‌وری یا ناتوانی در مهار کنش‌ها و هوس‌ها از خصوصیات

دیگر این افراد است. همچنین در برابر تنش آسیب‌پذیر هستند (باریک و هانت، ۱۹۹۱ به نقل از حق‌شناس، ۱۳۸۵). این در حالی است که افراد با هوش هیجانی بالا اعتماد به نفس دارند، مصمم هستند و قادر به تصمیم‌گیری حتی در وضعیت متزلزل و مشکل‌می‌باشند. این افراد قادرند احساسات تکانش و هیجانات آشفته خود را به خوبی تنظیم کنند و حتی در موقعیت پرتنش نیز خونسرد، خویشتن‌دار و با ثبات رفتار می‌کنند. به جای اینکه با ترس از شکست فعالیت کنند، براساس امید به موفقیت عمل می‌کنند، وجود مشکلات را به علت شرایط می‌بینند نه ضعف‌های شخصی خود (گلمن، ۱۹۹۵). بنابراین وجود رابطه منفی بین هوش هیجانی و روان‌رنجوری قابل درک است. زیرمقیاس‌های برونگرایی شامل عناصر الگوی ترکیبی هوش هیجانی نظیر محبت، جمع‌گرایی، قاطعیت، فعال بودن، هیجان‌خواهی و هیجانات مثبت است. افراد با نمره بالا در برون‌گرایی، افرادی صمیمی و با محبت هستند که ارتباط دوستانه‌تری با دیگران دارند و به آسانی با دیگران مراوده و دوستی برقرار می‌کنند. این افراد جمع‌گرا هستند و از بودن با دیگران لذت می‌برند؛ مسلط، مستحکم و اجتماعی‌اند و بدون تردید حرف می‌زنند و در گروه بیشتر نقش رهبری را برعهده دارند. این افراد پرانرژی و همیشه مشغول فعالیت هستند.

پرتلاش و سالمی هستند و برای حرفه خود سرمایه‌گذاری زیادی می‌کنند. و می‌توانند خود را وادار کنند تا کاری را به سرانجام برسانند (باریک و هانت، ۱۹۹۱ به نقل حق‌شناس، ۱۳۸۵).

افرادی باهوش هیجانی بالا براساس اصول اخلاقی و بی‌عیب و نقص رفتار می‌کنند، اشتباه‌های خود را قبول و در برابر اعمال غیراخلاقی دیگران ایستادگی می‌کنند. به تعهدات و وعده‌های خود عمل می‌کنند و نسبت به اهدافشان پاسخگو هستند. کارشان را دقیق و سازمان یافته انجام می‌دهند. با انگیزه بالایی برای پیشرفت و رسیدن به اهداف و معیارهای خود تلاش می‌کنند. هدف‌های چالش‌انگیز و خطرپذیری حساب شده‌ای دارند (گلمن، ۱۹۹۱). همان‌طور که می‌بینیم بین هوش هیجانی و باوجدان بودن مشترکات زیادی وجود دارد و وجود رابطه بین آن دو منطقی به نظر می‌رسد.

البته در پاره‌ای از پژوهش‌ها بین هوش هیجانی و ویژگی‌های شخصیتی رابطه معناداری مشاهده نشده است. از جمله پژوهش‌های براکت و همکاران (۲۰۰۴)، باستین و همکاران (۲۰۰۵) و لویز و همکاران (۲۰۰۳) را می‌توان نام برد. در توجیه این ناهمخوانی می‌توان گفت که در این پژوهش‌ها برخلاف این پژوهش از الگوی توانایی هوش هیجانی و به تبع آن از آزمون‌های عملکردی (تکلیف‌محور) هوش هیجانی استفاده شده است. تفاوت عمده این آزمون‌ها با آزمون‌های خودسنجی (مورد استفاده در این پژوهش) این است که مقیاس‌های خودسنجی که برای سنجش هوش هیجانی ساخته شده‌اند، با برخی از ویژگی‌های شخصیتی رابطه معناداری دارند، ولی آزمون‌ها و مقیاس‌های عملکردی با آزمون‌هایی که هوش عمومی را ارزیابی می‌کنند، همبستگی و همپوشی دارند (مک کری، ۲۰۰۰ و کار، ۲۰۰۴، به نقل حق‌شناس، ۱۳۸۵).

در بررسی تفاوت میانگین دختران و پسران در هوش هیجانی مشخص شد که با وجود اینکه هوش هیجانی دختران نسبت به پسران کمی بالاتر بود، ولی این تفاوت از نظر آماری معنادار نبود. این یافته با نتایج پژوهش‌های آقاییوسفی (۱۳۸۷)، براکت و همکاران (۲۰۰۴)، پتریدز و فورنهام (۲۰۰۳) و وان رووی و همکاران (۲۰۰۵) همسو است و با نتایج پژوهش‌های سیاروچی و همکاران (۲۰۰۱)، اسکات و همکاران (۱۹۹۸)، اسکات و همکاران (۲۰۰۴)، وارویچ و نتل بک (۲۰۰۴)، مایر و سالوی (۱۹۹۹) و پتریدز و فورنهام (۲۰۰۱) غیرهمسو است.

در مجموع با توجه به یافته‌های این پژوهش می‌توانیم نتیجه بگیریم که باید در همه پژوهش‌های مربوط به هوش هیجانی، اعم از بنیادی و کاربردی، نوع ابزار مورد استفاده (خودسنجی یا عملکردی) به دقت مشخص و علت استفاده از

تمایل به تجربه هیجانات مثبت مانند شادی، لذت، عشق و هیجان دارند (باریک و هانت، ۱۹۹۱ به نقل حق‌شناس، ۱۳۸۵).

به همین ترتیب افراد با هوش هیجانی بالا خوشبین هستند و در پیگیری اهداف با وجود موانع و مشکلات، استقامت به خرج می‌دهند. قدرت رهبری، الهام بخشیدن و هدایت افراد و گروه‌ها و اشتیاق زیادی برای مأموریت‌ها و فعالیت‌های گروهی دارند. اعتماد به نفس و احساس خودارزشی قوی دارند. قادر به ایجاد ارتباطات و پرورش روابط سودمند هستند. تلاش زیادی برای فعالیت‌های جمعی و پیگیری اهداف گروهی دارند (گلمن، ۱۹۹۵).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود عامل برونگرایی و هوش هیجانی از نظر بسیاری از مهارت‌های اجتماعی که به موفقیت افراد در گروه منجر می‌شود و همچنین در برخورداری از حس اعتماد به نفس و ارزشی که برای محبت و ارتباط قایل‌اند، با هم اشتراکات زیادی دارند که وجود ارتباط بین آنها را تبیین می‌کند.

افراد با نمره بالا در توافق‌پذیری، به دیگران اعتماد و حسن نیت دارند. ساده و بی‌ریا هستند، تملق و چاپلوسی را لازمه مهارت اجتماعی نمی‌دانند، در ابراز احساسات درونی خود مقاومت نمی‌کنند. فعالانه و به‌گونه‌ای سخاوتمندانه به منافع دیگران اهمیت می‌دهند و مشتاق کمک به افراد نیازمند هستند. پرخاشگری خود را مهار می‌کنند و افرادی فروتن و دارای اعتماد به نفس هستند. برای رفع نیازهای دیگران فعال‌اند و بر جنبه‌های انسانی سیاست‌های اجتماعی تأکید دارند (باریک و هانت، ۱۹۹۱ به نقل حق‌شناس، ۱۳۸۵).

به همین ترتیب افراد با هوش هیجانی بالا احساسات تکانشی و هیجانات آشفته را به‌خوبی تنظیم می‌کنند و حتی در اوضاع پرتنش نیز خونسرد، خویشتن‌دار و بامتانت رفتار می‌کنند. قابل اطمینان هستند و اشتباه‌های خود را قبول می‌کنند. احساسات و دیدگاه‌های دیگران را درک می‌کنند. از علاقه‌های اجتماعی برخوردارند و به آسانی پاسخگوی تقاضاهای متفاوت هستند و به سرعت می‌توانند تغییر کنند. پاسخ‌هایشان را با وضعیت انطباق می‌دهند و انعطاف‌پذیر هستند (گلمن، ۱۹۹۱). شباهت خصوصیات گفته شده از هر دو عامل تأییدی بر معناداری رابطه بین توافق‌پذیری و هوش هیجانی است.

افرادی که در باوجدان بودن نمره بالایی دارند، احساس می‌کنند که برای رویارویی با مسائل زندگی آمادگی کافی دارند. این افراد تمیز، منظم و رفتاری مناسب دارند و به‌شدت بر اصول اخلاقی خود پایبندند و در حدی افراطی به تعهدات اخلاقی خود عمل می‌کنند. سطح توقعات آنان بالا و تلاش زیادی برای تحقق این سطح از خود نشان می‌دهند. افراد

- Alexander, Z. (2004). Impact of Personality and Emotional Intelligence on Successful Training in Competences. *Primorska, Slovenia Managing Global Transitions*, 4, 363-376.
- Annamaria, D., & Fabio, L.P. (2009). Emotional intelligence, personality traits and career decision difficulties. *International Journals of Education*, 9, 135-146.
- Austin, E.J., Saklofske, D.H., Rohr, B.A., & Andrews, J.W. (2007). Personality, emotional intelligence and exercise. *Journal of Health Psychology*, 12, 937-948.
- Austin, E.J., Saklofske, D.H., & Egan, V. (2005). well-being and health correlates of trait emotional intelligence. *Personality and Individual Differences*, 38, 547-558.
- Bagby, R.M., Tayler, G.J., & Parker, J.D. (1994). The twenty item Toronto Alexithymia Scale, convergent, discriminate and concurrent validity. *Journal of Psychosomatic Research*, 23-38.
- Bar-on, R. (2000). *Emotional and Social Intelligence. Insights from Emotion Quotient Inventory*. Toronto, Canada: Multi-Health Systems.
- Bar-on, R. (1997). *The Emotional Quotient Inventory (EQ-i). A test of emotional intelligence*. Jossey. Bass.
- Bar-on, R. (2005). The Bar-on model of emotional-social intelligence. Extremer (guest Editors), Special issue on emotional intelligence. *Journal of Psychology*, 17.
- Bastian, V.A., Burns, N.R., & Nettelbeck, T. (2005). Emotional intelligence, predict life skills, but not as well as personality and cognitive abilities. *Personality and Individual Differences*, 39, 1135-1145.
- Brackett, M.A., Mayer, J.D., & Warner, R.M. (2004). Emotional intelligence and its relation to everyday behavior. *Personality and Individual Differences*, 36, 1387-1402.
- Brotheridge, C.M. (2006). The role of emotional intelligence and other individual difference variables in predicting emotional labor relative to situational demands. *Journal of Psychology*, 18 (Suppl.), 139-144.
- Ciarrochi, J.V., Chan, A.Y.C., & Caputi, P. (2000). A critical evaluation of the emotional intelligence construct. *Personality and Individual Differences*, 28, 539-561.
- Ciarrochi, J.V., Forgas, J.P., & Mayer, J.D. (2001). *Emotional intelligence in everyday life. a scientific inquiry*.
- Cooper, R.K. (2005). *Executive EQ: Emotional intelligence in leadership and organizations*. New York.
- Costa, P.T., & McCrae, R.R. (1992). Cross-sectional studies of Personality in a national sample: I. Development and validation of survey measures. *Psychology and Aging*, 1, 140-143.
- Davies, M., Stankov, L., & Roberts, R.D. (2002). Emotional intelligence: In search of an elusive construct. *Journal of Personality and Social Psychology*, 75, 989-1015.
- آن با توجه به اهداف پژوهش بررسی شود. همچنین با توجه به یافته‌های این پژوهش می‌توانیم بگوییم که هوش هیجانی که با الگوی ترکیبی تعریف می‌شود، نوعی ویژگی شخصیتی است و از آنجا که ویژگی‌های شخصیتی ثبات بیشتری دارند، بنابراین باید در آموزش‌های هوش هیجانی به ویژگی‌های شخصیتی افراد توجه کرد.
- ### منابع
- آقا یوسفی، ع. بهروزیان، س. و سعدی پور، ا. (۱۳۸۷). رابطه ویژگی‌های شخصیتی و هوش هیجانی با سلامت روان افراد مبتلا به فنیل کتونوریای تحت درمان. *مجله پژوهش در حیطه کودکان استثنایی*، شماره ۴، ص ۳۷۰ تا ۳۸۱.
- بشارت، م.ع. (۱۳۸۶). بررسی رابطه ابعاد شخصیت و هوش هیجانی. *مجله مطالعات تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه علوم پزشکی*. شماره ۸، ص ۷۹ تا ۹۴.
- حق شناس، ح. (۱۳۸۵). مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و سلامت روان دانش‌آموزان دبیرستان‌های تیزهوشان و دبیرستان‌های عادی. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- دهشیر، غ. (۱۳۸۱). هنجاریابی پرسشنامه هوش هیجانی بار-آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران و بررسی ساختار عاملی آن. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه علامه طباطبائی.
- زرار، م.ا. نریمانی، م. برهمند، ت. و صبحی قراملکی، ن. (۱۳۸۷). رابطه هوش هیجانی با خودکارآمدی و سلامت روان و مقایسه آنها در دانش‌آموزان ممتاز و عادی. *مجله دانش و پژوهش در روان‌شناسی*. شماره ۳۵ و ۳۶، ص ۱۲۲-۱۰۷.
- شاهمرادی، س. فاتیحی‌زاده، م. و احمدی، ا. (۱۳۹۰). پیش‌بینی تعارض زناشویی از طریق ویژگی‌های شخصیتی، روانی و جمعیت‌شناختی زوج‌ها. *مجله دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*. سال دوازدهم، شماره ۱، ص ۳۳ تا ۴۴.
- شفیعی‌تبار، م. خداپناهی، م.ک. و صدق‌پور، ص. (۱۳۸۷). بررسی رابطه هوش هیجانی و عوامل پنجگانه ویژگی‌های شخصیتی در دانش‌آموزان. *مجله علوم رفتاری*. دوره دوم، ص ۱۸۲-۱۷۳.
- گروسی فرشی، م.ت. (۱۳۸۰). *هنجاریابی آزمون جدید شخصیتی NEO* و بررسی تحلیل ویژگی‌ها و ساختار عاملی آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های ایران رساله دکترای تخصصی، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- مظاهری تهرانی، ع. (۱۳۸۲). بررسی رابطه هوش هیجانی و پنج عامل بزرگ شخصیت در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.
- نیکجو، س.ب. (۱۳۸۷). رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با هوش هیجانی و شادکامی در دانشجویان رشته‌های انسانی واحد علوم و تحقیقات. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.

- Dawda, D., & Hart, S.D. (2000). Assessing emotional intelligence: reliability and validity of the Baron Emotional Quotient-Inventory (EQ-i) in university. *Personality and Individual Differences*, 28, 797-812.
- Van der Linden, D., Tsaousis, L. & Petrides, K.V. (2012). Overlap between General Factors of Personality in the Big Five, giant three, and trait emotional intelligence. *Personality and individual Differences*. Available online 29 March 2012 in sciencedirect. com.
- Elizabeth, J., Austin, E.J., Timothy, C.P., Katharine, M.O., & Donovan, A. (2008). Associations of personality and emotional intelligence with display rule perceptions and emotional labor. *personality and individual difference*, 44, 679-688.
- Goleman, D. (2001). Emotional intelligence. *Issue in paradigm building*, 39, 33-40.
- Goleman, D. (1998). *Working with emotional intelligence*. New York: Bantam. INR .Bar-on & J. Parker (EDS), A Handbook of Emotional Intelligence. San Fransisco: Jossey - Bass.
- Goleman, D. (1995). *Emotional intelligence*. New York: Bantam Books.
- Homayouni, A. (2011). Personality traits and emotional intelligence as predictors of learning English and Math. *2nd world conference on psychology, counseling and guidance*. 30, 839-843.
- Jasna, H., & Knezevic, I. (2009). *Five Factor Personality and 3 Health-related Personality Constructs as predictors of Health*. Department of psychology. u of Rijeka, 394-402.
- Joyce, E.B., & Meredith, A.V. (2007). personality and emotional performance: Extra version, Neuroticism, and self- monitoring. *Journal of occupational Health psychology*. volume 12, issue 2, 177 – 192.
- Lopes, P.N., Salovey, P., & Straus, R. (2003). Emotional intelligence, personality, and the perceived quality of social relationship. *Personality and Individual Differences*, 35, 641-658.
- Mayer, J.D., Salovey, P., & Caruso, D. (1999). Emotional intelligence meets traditional standards for an intelligence. *Intelligence*, 27, 267-298.
- Mayer, J.D., Salovey, P., & Caruso, D. (2002). *The positive psychology of emotional intelligence in C. Snyder, & S.J. Lopez (Eds.), Handbook of Positive Psychology*. Oxford: Oxford University Press.
- Mayer, J.D., Salovey, P., & Caruso, D. (2000). *Emotional intelligence*, Handbook of intelligence (2nded). New York: Cambridge University Press.
- McCrae, R.R. (2000). *Emotional intelligence from the perspective of the five-factor model of personality*. In R. Bar-on & J.D.A. Parker. Handbook of emotional intelligence. San Francisco: Jessey - Bass.
- Newsome, S., Day, A., & Catano, V.M. (2002). Assessing the predictive validity of emotional intelligence. *Personality and Individual Differences*. 29, 1005-1016.
- Palmer, B., Donaldson, C., & Stough, C. (2002). Emotional intelligence and satisfaction. *Personality and Individual Differences*, 33, 1091-1100.
- Petrides, K.V. (2000). *psychometric investigation into the construct of emotional intelligence*. doctoral dissertation, University College London.
- Petrides, K.V., & Furnham, A. (2001). On the dimensional structure of emotional intelligence. *Personality and Individual Differences*, 29, 313-320.
- Petrides, K.V., & Furnham, A. (2003). Trait emotional intelligence: Behavioral validation in two studies of emotion recognition and reactivity to mood induction. *European Journal of Personality*, 17, 39-57.
- Saklofske, D.H., Austin, E.J., & Minski, P.S. (2003). Factor structure and validity of a trait emotional intelligence measure. *Personality and Individual Differences*, 34, 1091-1100.
- Salovey, P., & Mayer, J.D. (1997). *What is emotional intelligence?* In P. Salovey, & J. D. Mayer (Eds.), *Emotional Development and Emotional Intelligence*. New York: Cambridge University Press .
- Salovy P., & Mayer Y.D. (1990). Emotional intelligence. *Imagination, cognition and personality*, 9, 185-211.
- Schulte, M.J., Ree, M.J., & Carretta, T.R. (2004). Emotional intelligence: not much more than g and personality. *Personality and Individual Differences*, 37, 1059-1068.
- Schutte, N.S., Malouff, J., Hall, L., Haggerty, D., Cooper, J., Golden, C., & Dorheim, L. (1998). Development and validation of a measure of emotional intelligence. *Personality and Individual Differences*, 25, 167-177.
- Shafer, A.B. (1999). Relation of the Big Five and factor V subcomponents to social intelligence. *European Journal of Personality*, 13, 225-240.
- Van der Linden, Dimitri., Tsaousis, Ioannis., Petrid, K.V. (2012). Overlap between General Factors of Personality in the Big Five, Giant Three, and trait emotional intelligence. *Personality and Individual Differences*. Volume 53, Issue 3, August 2012, Pages 175–179.
- Van der zee, K., Thijs, M., & Schakel, L. (2002). *The relationship of emotional intelligence with academic intelligence and the Big Five*. *European Journal of Personality*, 16, 103-125.
- Van Rooy, D.L. Alonso, A., & Viswesvaran, C. (2005). *Group differences in emotional intelligence scores: theoretical and practical implications*. *Personality and Individual Differences*, 38, 689-700.
- Warwick, J., & Nettelbeck, T. (2004). Emotional intelligence is...? *Personality and Individual Differences*, 37, 1091-1100.
- Wortman, J. & Wood, D. (2011). The personality traits of liked people. *Journal Research in Personality*, 45, 519-528.